مقالاتی که در این صفحه منتشر می‌شود، از مهم‌ترین منابع خارجی درباره مجموعه موضوعات مرتبط با ایران یا دیگر تحولات و رویدادهای مهم جهان گزینش شده است. هدف اصلی از انتشار این مقالات، ارائه مستقیم و بی‌واسطه مهم‌ترین تحلیل‌ها در حوزه‌های راهبردی به تحلیلگران فارسی‌زبانی است. کاملا روشن است که تحلیل‌های مندرج در این مقالات موضع روزنامه «وطن امروز» نیست. شاید در بسیاری از موارد «وطن امروز» دیدگاهی اساسا متفاوت داشته باشد و حتی در بقیه صفحات روزنامه به نقد آنها بپردازد.
مطالعه مستمر این مقالات این امکان را به خواننده خواهد داد با ذهنیت‌های راهبردی غرب درباره ایران یا دیگر تحولات مهم جهان آشنا شود.

آمریکا خواهان مذاکرات منطقه‌ای با ایران است

THE JERUSALEM POST
JPost.com
Israel's best- selling english daily and most-read English website

مایکل ویلنتز: جواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران به جان کری، وزیر خارجه آمریکا هشدار داد تاکنی در دستیابی به یک موافقتنامه چندجانبه درباره برنامه هسته‌ای تهران به جایگاه حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران که در مقایسه با دیگر سیاستمداران ایران فردی عملگرا محسوب می‌شود، لطمه خواهد زد. به گفته مقامات آمریکایی، مقامات ۲ کشور در یک کنفرانس امنیتی در مونیخ با یکدیگر دیدار کردند تا درباره مذاکرات کنونی درباره برنامه هسته‌ای ایران و فقط درباره این برنامه گفت‌وگو کنند. اما هشدار ظریف تاکیدی بر انگیزه‌های اصلی تیمپلماتهای غربی در مذاکرات بود؛ چون مایله به جلب همکاری تهران با واشنگتن به سر مسائل دیگر منطقه، از سوریه و عراق تا یمن و لیبان. این به معنای پافشاری بر هدف اولیه آنها، یعنی پایان دادن به برنامه هسته‌ای ایران به صورت کامل و نهایی است که در شروع مذاکرات با صراحت بر آن تاکید شده بود.

اذعان ظریف به نفوذ آمریکا در سیاست ایران اقتضایی نادر است. انقلاب ۱۹۷۹ و رژیمی که از سال آن‌زاده شد، به منزله طرد کامل مداخله آمریکا در امور داخلی ایران بود. امروز سیاستمداران درون کشور با شدت در این باره بحث می‌کنند که آیا یک توافق هسته‌ای - یا هر نوع توافق هسته‌ای - با «شیطان قدیمی رژیم» بهتر است یا خیر. اما هفته گذشته به تدریج گفتوگوهایی منتشر شد که حاکی بود دولت باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا درقبال استفاده ایران از قدرت و قدرت خود برای مهار نارامی و بی‌ثباتی منطقه، آماده است امتیازات فنی درزمینه زیرساخت هسته‌ای ایران به این کشور بدهد. ظریف پس از دیداری با کری که بیش از ۴ ساعت طول کشید، گفت مذاکرات بر نحوه لغو تحریم‌ها و اینکه چه تعداد سانتریفیوژ باید باقی بماند متمرکز بود. ظریف همچنین با فدریکا موگرینی، نماینده عالی اتحادیه اروپا دیدار کرد که عاملی گفت فرصت مناسبی برای توافق وجود دارد. هر دوی آنها اذعان کردند که گفتوگوها فراتر از مساله هسته‌ای بود و کشمکش‌هایی که بخش اعظم منطقه خاورمیانه را در بر گرفته است نیز در گفت‌وگوها به میان آمد. وزارت امور خارجه ایران با صدور بیانیه‌ای اعلام کرد در مذاکرات مونیخ هیچ‌سخنی درباره مسائل سیاسی داخلی ایران مطرح نشد. این در حالی است که چند مقام غربی به مطرح شدن چنین مسائلی در گفت‌وگوها اذعان کردند.

یک مقام که اطلاعات بی‌واسطه‌ای از مذاکرات ظریف با کری داشت، گفت: «ما آنجا که روحانی در حفظ مقدم قرار دارد، طبیعی است که بیشتر آسیب خواهد دید».

این هشدار که شکست مذاکرات هسته‌ای به قدرتمند شدن تندروهای ایران خواهد انجامید - زمانی داده می‌شود که بر سر هسته‌ای ۱۲ ماهه به مرحله بسیار مهمی رسیده است و طرف‌های مذاکرات تا ماه مارس مهلت دارند به یک توافق سیاسی و پس از آن نهایتا سه ماهِ زمان به یک توافق هسته‌ای نهایی دست یابند.

مقامات وزارت خارجه آمریکا می‌گویند آمریکا قصد دارد در مهلت ماه مارس کار انجام گیرد. برخی منابع در دفتر بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در واکنش به این مطلب گفتند: «احتمال ۵۰ ممکن است در مدتی بسیار کوتاه به توافقی خطرناک برسد که ایران را قادر سازد به سلاح‌های هسته‌ای دست یابد که بقای اسرائیل را تهدید می‌کند. نتانیاهو منتقد است وظیفه خود را نه‌مانعی که مصورپرای جلوگیری از حصول یک توافق بد وقت هست، درباره این خطر جدی که دولت یهود را تهدید می‌کند حرف بزند».

جروزالم‌پست

ایران منطقه را تصرف کرده است

The Washington Post

دنیل پلتکا: ریاضی کردن خلبان اردنی کنها یکی از نشانه‌های بی‌شماری است که از سقوط خاورمیانه به سمت بی‌نظمی خشونت‌بار حکایت دارد.

سران کشورها شتابزده و جنگ‌های داخلی شدت یافته و تروریسم نیز در حال قدرت گرفتن است.

اکنون این وسوسه وجود دارد که امنیت نسبی سال‌های گذشته بازگردد، سال‌هایی که دیکتاتورهای وابسته به آمریکا منطقه را در آرامش نگاه می‌داشتند. آمریکایی‌ها اکنون به دنبال گزینه‌های دیگری هستند که این نقش را ایفا کنند.

به طور قطع یک خاورمیانه باثبات بیشتر به اقناء شباهت دارد تا واقعیت. به دنبال قدم‌های بهار عربی برخی دولت‌ها سرنگون شدند، اسلام‌خواهان کنترل قدرت پیدا کردند، جنگ بین فلسطینی‌ها و اسرائیل روی داد و یمن و لبنان شاهد جنگ داخلی بودند. با این حال قدرت همچنان در دست واشنگتن است. به عنوان جدیدترین مورد می‌توان به تلاش‌های دولت اوباما برای دستیابی به یک توافق منطقه‌ای بر سر قدرت ایران اشاره کرد.

افراد معدودی با این موضوع مخالفند که ایران برنامه‌هایی برای خاورمیانه دارد. حتی روزهای انقلاب اسلامی هم سران ایران به دنبال آن بودند که امپراتوری قدیم ایران را دوباره احیا کنند. هرچند که در این زمینه به موفقیتی دست نیافتند.

در ۳۶ سال گذشته هم حکومت روحانیون ایران ارتش‌های نیابتی خود را ایجاد کرده است. نیروهایی که برای دولت‌های منطقه در نبرد شرکت می‌کنند و توانسته‌اند از لحاظ سیاسی و نظامی به پرتگاه‌هایی در منطقه دست یابند.

از زمان تشکیل جزیره‌الله در سال ۱۹۸۲ ایران به دنبال آن بوده است تا سیاست‌های خود را به لبنان دیکته کند. بشار اسد، نیز اکنون عامل تهران است و حماس هم همین مسیر را طی می‌کند. به دنبال عقب‌نشینی آمریکا از عراق و شکست بهار عربی، امر و نهی ایران بیش از پیش گسترش یافت.

در عراق فرمانده‌های سپاه پاسداران و شبه‌نظامیان آموزش دیده در ایران در خط مقدم جنگ با دولت اسلامی قرار دارد. در بحرین هم تهران به منبای هدایت اعتراض‌های اکثریت شیعه مظلوم به سمت یک قیام منطقه تحت حمایت ایران است. در هفته‌های اخیر نیز حوثی‌های تحت حمایت ایران توانستند دولت یمن را که برای مبارزه با القاعده در شبه جزیره عربستان کشوری بود، سرنگون کنند. کویت و عربستان سعودی در چند سال اخیر توانسته‌اند عوامل ایرانی را به دام اندازند و فعالانی که ارجحیت ایران برخوردارند، دستگیر کنند. زمانی که پاراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا به مذاکره با ایران برسر برنامه هسته‌ای این کشور پرداخت هم وی و هم سران ایران تلاش کردند تنها درباره منطقه هسته‌ای گفتوگو خواهند کرد. اما بودجه مشخص شد امیدهای اوباما فراتر از این است و وی به مذاکرات به عنوان متشوری نگاه می‌کند که «طریق آن می‌تواند به مشکلات منطقه‌ای بنگرد و حتی آنها را حل کند.

بازترین نشانه این دیدگاه جدید همکاری روزافزون واشنگتن و تهران در عراق بود. جان کری، وزیر خارجه آمریکا از تلاش‌های ایران در عراق قدردانی کرد و مارتین دمپسی، رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا از این هم فراتر رفت و اعلام کرد نفوذ ایران مثبت خواهد بود.

متحدان آمریکا در خلیج‌فارس به گرم شدن روابط اوباما با ایران با بیم و هراس می‌نگرند. گفته می‌شود امارات عربی متحده از حملات هوایی علیه قدرت مواضع داعش در سوریه کناره‌گیری کرده است که تا حدودی به خاطر عدم توافق با واشنگتن برسر نقش ایران در جنگ با داعش است.

حتی دولت عراق هم به طور خصوصی از فزایش تسلط ایران بر شبه‌نظامیان شیعه ابراز نگرانی کرده است.

یکی دیگر از نشانه‌های تغییر سیاست به شخص اسد مربوط می‌شود. حدود ۴ سال پیش اوباما خواستار برکناری دیکتاتور سوریه بود اما اکنون به نظر می‌رسد آماده است با برسر قدرت ماندن اسد کنار بیاید.

در روزهای اخیر دولت اوباما به منظور همکاری با حوثی‌های مورد حمایت ایران در یمن برای مبارزه با القاعده شبه‌جزیره عربستان به این گروه نزدیک شده است. پیامدهای ناخواسته همکاری با ایران در یمن فاجعه‌بار خواهد بود.

واشنگتن‌پست

آیا تروریست داعشی پوششی برای تروریست صهیونیستی خواهد بود؟

میدل ایست اونلاین
middle east online

ابراهیم ایراش: بعید نیست یکی از اهداف شکل‌گیری گروه تروریستی داعش، استفاده از جنایات این گروه به عنوان پوششی برای تروریسم صهیونیستی باشد.

جنایات داعش شده‌اند به آنش کشیدن خلبان اردنی، هنداری است که جهان غرب به سمت شکل‌گیری نوعی بی‌سابقه از درور و خشونت حرکت کرده و این روند می‌تواند به عنوان پوششی برای اقدامات تروریستی صهیونیست‌ها مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. حتی می‌توان گفت گویا یکی از اهداف شکل‌گیری تروریست داعشی همین امر باشد.

منطقه به سمت مرحله جدیدی از رفتار و اعمالی پیش می‌رود که ویژگی آن مخالفت با قوانین بین‌المللی، مخالفت با آموزه‌های دینی و مخالفت با اخلاق بشری است. تحول جدید در نمودار خشونت و ترور بی‌رحمانه تنها در جنایتی چون سوزاندن افراد خاتمه نمی‌شود؛ زیرا تاکنون هزاران نفر سوزانده شده‌اند و حتی با استفاده از تسلیحات شیمیایی، بمب‌های فسفری و تسلیحات مشابه هایی بدتر از سوزاندن بر سر آنها رفته است. این تسلیحات در دست گروه‌هایی قرار گرفته است که با نام اسلام آن را بر سر غیر نظامیان فرود می‌آورند.

وقتی تصاویر سوزاندن یک انسان، با اقتدار و بدون هیچ خوف و هراسی در رسانه‌ها منتشر می‌شود یعنی خطر بسیار آشکار و شفاف شده است. این اقدام می‌تواند واکنش مشابه دشمنان داعش را در پی داشته باشد. چنانچه شنیده شد کرمها در واکنش به سوزاندن خلبان اردنی، چند عضو داعش را به آنش کشیده‌اند.

وقتی چنین اقدامی با توجیه برخی افراد مواجه می‌شود و در توجیه آن گفته می‌شود سوزاندن دشمنان در تاریخ اسلام و مسلمانان وجود داشته و ابوبکر، خلیفه مسلمین هم این روش را به کار می‌گرفته است یا بدتر از آن، برخی مدعی می‌شوند درباره جواز این کار استاد و احادیثی از پیامبر اسلام وجود دارد، آن وقت باید شاهد اقدامات سهمگین‌تر در اقدامات بر پیکره اسلام باشیم.

خطر دیگر چنین اقداماتی به زمان انجام آن مرتبط است. در شرایطی که جامعه بین‌الملل خود را برای محاکمه اسرائیل و مقامات اسرائیلی به جرم ارتکاب ترور و اقدامات تروریستی علیه فلسطینیان آماده می‌کند و تاکنون از حملی چون چنین هدفی در چهره مقامات اسرائیلی مشاهده می‌شود، به آنش کشیدن خلبان اردنی، وای اردن را به جنگ با داعش بازمی‌کند و این کشور را نیز به جلوانگاه تروریست‌های داعش تبدیل می‌کند. اتفاقی که قطع به یقین به زیان کلیه فلسطین خواهد بود.

جنایتی چون سوزاندن خلبان اردنی، متلوبه کاملی از «دیدنیه و رفتار گروه‌های تندرو تروریستی در سوریه، عراق، یمن، لیبی، مصر، نیجریه، افغانستان و دیگر کشورهاست. اگر سربریدن و به آنش کشیدن را ابتکار و ابداع بخوانیم باید بگوییم این گروه‌ها ابتکارات دیگری نیز داشته‌اند که جهاد نکاح، تحریم تلویزیون، تحریم تدلیم و آموزش به دختران و تکفیر هر فرد مخالف اندیشه‌های تندروانه نمونه‌ای از این ابتکارات است که اساس آن به فهم خاص این گروه‌ها از شریعت اسلامی بازمی‌گردد.

در چنین شرایطی باید این سؤال را مطرح کرد که در صورت پیروزی گروه‌های تندرو و موفقیت‌شان در تشکیل کشور مستقل، شرایط آن کشور چگونه خواهد بود؟ نظام آموزشی ناعمش در چنین قلمرویی چیست؟ نظام اقتصادی و مالی آنان چیست؟ روابط گروه‌های مختلف در چنین جامعه‌ای چگونه خواهد بود؟ روابط خارجی آنان چگونه خواهد بود؟ تعامل آنان با فناوری‌های نوین بر چه اساسی است؟

اندیشه‌های که ما را به رویه رشد شکل‌گیری این گروه‌ها و اهداف فعالیت آنان رهنمون می‌کند می‌تواند براساس یکی از ۲ فرضیه زیر باشد:

۱- این گروه‌ها برنامه و دیدگاه کاملی برای توجیه رفتار و حرکت به سمت تشکیل دولت خلافت اسلامی دارند و بر این اساس همه اموری را که در بلاد مسلمین جریان دارد مخالف شریعت اسلامی و بلاد مسلمین را بلاد کفر می‌دانند و خود را مامور به اصلاح چنین اموری می‌دانند.

آنان با همین استدلال کشته شدن حتی صدها میلیون انسان و خرابی شهرها و آبادی‌ها را اتفاقی طبیعی و عادی و بهایی اندک برای رسیدن به هدف متعالی خود می‌دانند. این گروه‌ها کاملا بر این اصل باور دارند که اسلام جز با شمشیر و فتوحات ایجاد نخواهد شد.

براساس این باورها رفتاری چون به آنش کشیدن دیگران در تاریخ مسلمین بدعت به شمار نمی‌آید؛ زیرا اقدامی که به آنش کشیده می‌شود از کلاه تندروها، مرتد و دشمن اسلام‌اند اما تفاوت در زمان انجام این کار است؛ زیرا امروز دوربین‌های فیلمبرداری وجود دارد و آن را به تصویر می‌کشد. اما در گذشته همین اعمال وجود داشت اما دوربینی برای به تصویر کشیدن آن اعمال وجود نداشت.

گروه‌هایی چون داعش برای راه گشایش دیگران درباره عولتاک بودن تصویر به آنش کشیده شدن معاذ الکساسبه، مدعی‌اند اگر در گذشته هم دوربین فیلمبرداری وجود داشت و جوانت مشابهی را که گروه‌های اسلامی دیگر در تاریخ اسلام مرتکب شده‌اند به تصویر می‌کشید مشخص می‌شد فتاوت درباره اعدام معاذ الکساسبه نادرست است.

یکی از این موارد حمله به عثمان بن عفان خلیفه سوم است. مهاجمان پس از چند روز محاصره محل اقامت خلیفه و ممانعت از ارسال آب و غذا به خانه خلیفه، با شمشیر و نیزه به او تاختند و او را از پای در آوردند.

شاهد دیگر ماجایی بود که برخی مسلمانان بر سر عبدالله بن زبیر قزوانه اسماء، دختر ابی‌بکر - خلیفه اول - آوردند او را کشتند و برای چند روز بر درختی به صلیب کشیدند. مصیبتی که بر سر حسین بن علی بن ابوطالب (علیهم‌السلام) رفت نمونه مشابه دیگر است که در تاریخ اسلام دیده شده است.

۲- دومین فرضیه این است که بسیاری از این گروه‌ها ساخته و پرداخته غرب و رژیم صهیونیستی هستند و هدف از تشکیل چنین گروه‌هایی تقریب زدن به اسلام، امت اسلام و اعراب است.

این گروه‌ها تشکیل شده‌اند تا مانعی در مسیر ثبات کشورهای اسلامی و مانعی در مسیر ترقی این کشورها و ورود آنان به جهان مدرن، پیشرو و دموکراتیک باشند؛ زیرا پیشرفت کشورهای اسلامی می‌تواند این کشورها را به رقبای قدرتمند اسرائیل و تهدیدی برای منافع غربی‌ها تبدیل کند.

آنان که به این فرضیه باور دارند برای اثبات نظریه خود شرایط امت عرب و اسلام را در ۴ قرن گذشته که بر وقوع‌زدن قدرت گرفتن چنین گروه‌هایی در جهان اسلام بوده است یادآوری می‌کنند.

در هر حال این گروه‌ها سبب محشور شدن چهره دین، بی‌ثباتی کشورهای مختلف عربی و درگیر شدن برخی کشورها در جنگ‌های داخلی شده‌اند تا این اتفاقات به مانعی بزرگ در برابر توسعه اقتصادی و سیاسی این کشورها تبدیل شود و در مقابل تسلط غرب به ویژه آمریکا بر مقدرات این کشورها بیشتر و بیشتر شود تا جایی که این روزها کمتر کشوری است که شاهد پایگاه نظامی آمریکا در خاک خود یا توافقنامه امنیتی با آمریکا نباشد.

با تقویت این گروه‌ها محوریت درگیری با اسرائیل رنگ باخته است. زیرا کشورهایی که باید در برابر اسرائیل قرار می‌گرفتند با موجودیت چنین گروه‌هایی درگیر مشکلات داخلی شده‌اند تا مجبور شوند مبارزه با دشمن داخلی را در اولویت قرار دهند و پس از آن به مبارزه با دشمن خارجی بپردازند.

با وجود این گروه‌ها، اسرائیل در دوران طلایی خود به سر می‌برد و منافع آمریکا در منطقه تبریز بیش از گذشته تامین می‌شود.

شاید خالی از لطف نباشد که در آخر به پیام شایسته محمود عباس به زمان اشاره کنیم. رئیس تشکیلات خودگردان در پیام خود سوزاندن معاذ الکساسبه را اقدام بی‌سابقه‌ای خواند ولی به این نکته اشاره کرد که این جنایت با یک جنایت که چند ماه پیش رخ داده است برابری می‌کند.

مقصود محمود عباس بر آنش کشیده شدن محمد ابوخضیر از جوانان اهل قدس به دست صهیونیست‌هاست. گویا محمود عباس خواست به جهان بفهماند اسرائیل همچنان مرکز اصلی ترور و خشونت در جهان است و جنایات صهیونیست‌هاست که می‌تواند بهانه‌ای برای بیگار جنایات در منطقه باشد. واقعیت این است که جنایات سوزاندن ابوخضیر بدتر از جنایات سوزاندن الکساسبه است؛ زیرا ابوخضیر یک غیرنظامی و الکساسبه یک نظامی بود که در میدان‌های نبرد با دشمن حاضر نداشت.

میدل ایست آنلاین

پرسش‌هایی درباره تحولات یمن

AP

حوثی‌های یمن پارلمان این کشور را منحل و شکل‌گیری یک دولت انقلابی را در یمن اعلام کردند. این اقدام حوثی‌ها تردیدهایی را درباره امکان ادامه اقدامات تحت رهبری آمریکا علیه شاخه القاعده در یمن بدون حمایت محلی به وجود آورده است.

در روز برخی پرسش‌ها درباره بحران یمن مطرح شده و پاسخ‌های آنها ارائه می‌شود.

حوثی‌ها چه کسانی هستند؟

حوثی‌ها یک جنبش قبیله‌ای نوین در یمن هستند که در شمال این کشور و در طول مرزهای یمن با عربستان سعودی ریشه دارند. نام این گروه از نام اولین فرمانده نظامی آنها یعنی حسین الحوثی، قتلیاس شده است. حسین الحوثی بعد از حمله آمریکا به عراق به شورش علیه دولت طرفدار یمن روی آورد و عدفش سرنگون کردن این دولت بود. وی در سال ۲۰۰۴ در نبردهای ارتش یمن کشته شد. حوثی‌ها در جریان پدیده بهار عربی در سال ۲۰۱۱ بار دیگر سر به شورش برداشتند و با دولت علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهور وقت یمن مبارزه کردند. آنها با طرح آشتی که قدرت را به عبد ربه منصور هادی، جانشین علی عبدالله صالح تحویل می‌داد موافقت نکردند. حوثی‌ها از آن زمان به بعد قدرت خود را در نواحی شمالی یمن مستحکم‌تر کردند و در سپتامبر ۲۰۱۴ به سوی مناطق جنوبی این کشور سرازیر شدند و توانستند کنترل صنعا و دیگر شهرهای مهم یمن را به دست گیرند.

حوثی‌ها چگونه می‌خواهند بر سرزمین پرتنش یمن حکومت کنند؟

اکثریت جمعیت یمن سنی هستند. سنی‌ها حدود دو سوم جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. بدین جلب حمایت این جمعیت بزرگ اداره کردن امور یمن کاری خطرناک است و می‌تواند خطر جنگ داخلی را به همراه داشته باشد به همین دلیل بود که حوثی‌ها بدون استحاصره متوازن هادی و تلاغ ریاست جمهوری تلاشهای برکناری وی را مطرح نکردند. حوثی‌ها در عوض امیدوار بودند هادی میانه‌رو را وادار کنند که امتیازات بیشتری به شیعیان یمن بدهد اما هادی از اعطای این امتیازات خودداری کرد و به همراه تمام اعتنای کابینه‌اش استعفا دادند. حوثی‌ها با اخاره به سر میر خود خاتمه دادند و به کمیته انقلاب خود که رهبری عبدالملک الحوثی آبین اختیار را دادند که یک دولت انقلابی تشکیل دهد.

هدف مسلم نیست آیا حوثی‌ها می‌توانند حمایت سایر گروه‌های یمنی، بویژه سنی‌ها را جلب کنند یا خیر. متصور عادی در بازداشت خانگی به سر می‌برد. با این حال حوثی‌ها اعلام کردند ۲ نفر از وزیران کابینه عادی منصور را مجاب کرده‌اند که به دولت جدید بپیوندند. حوثی‌ها هنوز اعلام نکرده‌اند چه موقع انتخابات را برگزار خواهند کرد.

- چه کسانی از قدرت گرفتن حوثی‌ها سود می‌برند؟

عبدالملک الحوثی، رهبر ۳۳ ساله جنبش حوثی‌ها، به اوج جدیدی از قدرت رسیده است. باید منتظر ماند و دید کدامیک از بازیگران خاورمیانه از وی حمایت می‌کنند. ایران که قدرت برجسته شیعی در خاورمیانه است، به همراه گروه شبه‌نظامی شبیه حزب‌الله در لبنان از مهم‌ترین حامیان حوثی‌ها هستند. با این حال حوثی‌ها تاکید دارند هیچ توافق رسمی در این زمینه با ایران و حزب‌الله ندارند.

حوثی‌ها و طرفداران آنها علامت‌های متفاوتی می‌فرستند. آنها در راهپیمایی‌ها و در میارزاتشان شعارهایی را سر می‌دهند که با شعارهای تندروهای شیعه در ایران، عراق و حزب‌الله لبنان شباهت دارد: مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل.

دولت برکنار شده یمن مدعی بود ایران همواره از حوثی‌ها حمایت می‌کند. ارتش آن دولت نیز تجهیزات نظامی را کشف و ضبط کرد که گفته می‌شد از سوی ایران برای حوثی‌های یمن ارسال شده است.

آیا شکل‌گیری دولتی به رهبری حوثی‌ها می‌تواند به مبارزه آمریکا علیه القاعده لطمه‌ای وارد آورد؟

شاخه القاعده در یمن که رهبری آن را ناصر الوحیشی، بر عهده دارد در سال‌های اخیر بزرگترین خطر و تهدید برای غرب بوده است. این گروه تاکنون چند حمله ناقرجام در خاک آمریکا را سازمان‌دهی کرده است.

حوثی‌ها نمی‌توانند همپیمانانی طبیعی برای القاعده باشند. حوثی‌ها از شیعیان زیدی هستند اما اعتقای القاعده سنی هستند. این دو گروه در ماه‌های گذشته درگیری‌های خونباری در نواحی مرکزی یمن داشته‌اند.

با این حال حوثی‌ها نسبت به آمریکایی‌ها خصومت می‌ورزند و به حمایت‌های نظامی آمریکا در خاورمیانه انتقاد دارند. آنها با حملات هواپیماهای بدون خلبان آمریکایی به مقرهای القاعده در یمن مخالفند. قدرت گرفتن حوثی‌ها باعث شده است نیروهای نظامی ارتش یمن کارایی خود را از دست بدهند. آمریکایی‌ها کمک‌های زیادی به ارتش یمن ارائه داده‌اند که بتواند از این ارتش به عنوان مانعی در برابر گسترش فعالیت‌های القاعده استفاده کند. در شرایط حاکم ادامه حمایت دولت یمن از حملات هواپیماهای بدون خلبان آمریکایی به مخاطره افتاده است.

آسوشیتدپرس